

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۳): لا بأس بابتلاع ما يخرج من الصدر من الخلط و ما ينزل من الراس ما لم يصل الى فضاء الفم ، بل الاقوى جواز الجرّ من الراس الى الحلق ، و إن كان الاحوط تركه ، و اما ما وصل منهما الى فضاء الفم فلا يترك الاحتياط فيه بترك الابتلاع .

مسئله سوم درباره این بود که اگر خلطی از راس یا از سینه بیاید آیا می توان آن را بلع کرد یا نه ؟ در اینجا فقهای ما مطالب زیادی دارند و مسئله مقداری هم با فقه عامه ارتباط دارد ، به طور کلی مسئله را به دو قسمت تقسیم کرده اند اول اینکه از راه دهان وارد جوف شود و دوم اینکه از راه غیر دهان داخل جوف شود ، اگر از راه غیر حلق باشد مسلماً روزه را باطل می کند مثل حقنه(اماله) به مایعات و در این رابطه روایاتی هم داریم ولی درباره اماله به جامد روایت داریم که روزه را باطل نمی کند ، بعضی ها گفته اند چون که حقنه به مایعات روزه را باطل می کند فلذا اگر یک مایع دیگری را از راه احلیل وارد بدن کنند آیا روزه را باطل می کند یا نه ؟ این در صورتی است که از غیر حلق وارد بدن انسان شود و از راه حلق هم مثل نخامه و نخاعة .

صاحب عروة در مسئله سوم فرموده اند که بلع خلطی که از طرف سر و سینه می آید مادامی که به فضای دهان نرسیده اشکالی ندارد زیرا آنچه که روزه را باطل می کند آن است که از خارج وارد حلق شود و از حلق وارد معده شود و در اینجا فرض بر این است که از حلق وارد معده شده منتهی به فضای دهان نیامده فلذا اشکالی ندارد ، بعد ایشان فرموده اند اقوی این است که می تواند از راس بکشد و پائین بیاورد و تا موقعی که به فضای دهان نرسیده اشکالی ندارد ، اما ایشان فرموده اند اگر به فضای دهان برسد فلا یترک الاحتياط فيه بترك الابتلاع ، شاید انسان تعجب کند که چرا ایشان در اینجا احتیاط کرده و فتوی نداده ؟ چونکه در اینجا اقوال متعددی وجود دارد و بعلاوه روایت هم داریم ، از لحاظ اقوال سه قول در مسئله وجود دارد اول قول علامه در منتهی و در کتابهای دیگری مثل مدارک می باشد که گفته اند حتی اگر نخامه به فضای دهان هم برسد جایز است و اشکالی ندارد ، قول دوم این است که مادامی که به فضای دهان نرسد اشکالی ندارد ، و قول سوم تفصیل محقق در شرایع می باشد که در آنجا فرموده است اگر از سینه آمد و به فضای دهان رسید قورت دادنش اشکالی ندارد ولی اگر

از سر آمد و به فضای دهان رسید جایز نیست که آن را قورت بدهد و صاحب جواهر هم قائل است که هر دوی آنها اشکالی ندارد ، خوب محقق در شرایع می فرماید که ؛ الثالث : اگر چیزی از غیر راه حلق به جوف برسد صوم را باطل نمی کند فقط حقنه به مایع روزه را باطل می کند ، بعد ایشان می فرمایند ؛ و قيل : اگر در احلیل دوا بریزند و کم کم حرکت کند و به جوف برسد صوم را باطل می کند که البته فيه تردّد ، خلاصه از نظر فقه ما در غیر حلق آنچه که مسلماً ضرر دارد و صوم را باطل می کند حقنه به مایع می باشد ، بعد صاحب شرایع در ادامه می فرماید ؛ الرابع : اگر خلط از سینه بالا آمد و وارد فضای دهان شد قورت دادنش روزه را باطل نمی کند مگر اینکه از دهان خارج شود و دوباره به دهان برگردد و اما اگر خلط از سر آمد و به فضای دهان رسید اگر بدون قصد پائین رفت اشکالی ندارد ولی اگر عمداً آن را قورت بدهد روزه را باطل می کند ، خوب این تفصیلی بود که صاحب شرایع دادند بنابراین سه قول در مسئله وجود داشت که آنها را بیان کردیم .

خوب حالا می خواهیم ببینیم بقیه فقهای ما در این مسئله چه قولی را اختیار کرده اند ، در مختلف الشیعه جلد سوم ص ۲۸۳ آمده است که : « قال فی المبسوط لو صب الدواء فی احليله فوصل الى جوفه أفطر و إن كان ناسيا لم يفطر و اما قال فی الخلاف : التقطير فی الذکر لا يفطر » معلوم می شود که مسئله کاملاً اجتهادی می باشد چرا که شیخ در مبسوط گفته یفطر ولی در خلاف گفته لا يفطر ، بعد علامه در ادامه نظر خودش را بیان می کند و می فرماید : « لنا قد اوصل الى جوفه مفطرا فان المثانة تنفذ الى الجوف فکان موجب للافطار كما فی الحقنة » بعد ایشان می فرمایند : « احتج الشيخ بالاصل و الجواب : قد يخالف بقیام الدلیل » شیخ طوسی در اینجا احتجاج به اصل می کند و می گوید که این شخص تا این ساعت روزه گرفته و الان که این قطرات را به احلیل وارد کرده ما شک می کنیم که آیا روزه اش باطل شده یا نه اصل اقتضا می کند که استصحاب صحت کنیم ، در جواب این احتجاج شیخ علامه می فرماید که ما در اینجا دلیل داریم که هر چیزی که به جوف وارد می شود روزه را باطل می کند ، بعد علامه در ادامه می فرماید که شیخ در مبسوط جلد ۱ ص ۲۷۳ می فرماید : « لو طعنه غیره وصلت إلى جوفه لم يفطر و إن أمره هو بذلک ففعل به أو فعل بنفسه أفطر » در واقع علامه می خواهد بگوید هر چیزی که به جوف وارد شود روزه را باطل می کند ،

حالا با توجه به این دو خبر آیا ما می توانیم بگوئیم اشکال دارد یا نه ؟ و عروه هم گفت که اگر نخامه و یا نخاعه به فضای دهان برسد اشکال دارد و از طرفی هم ما می دانیم که در معنی نخامه اختلاف زیاد است . همان طوری که قبلاً عرض کردیم به نظر بنده عمده دلیل در اینجا ارتکاز متشرعه می باشد یعنی در ارتکاز متشرعه بعد از اینکه اینها به دهان آمدند قورت دادن آنها را جایز نمی دانند و منافی با صوم می دانند و این دو خبر مورد عمل متشرعه و اصحاب نمی باشد که این باعث ضعف این اخبار می شود .

صاحب جواهر اصرار دارد که قورت دادن نخامه و نخاعه اشکالی ندارد ، حاج آقا رضای همدانی می گوید قورت دادن آن که از سینه می آید اشکالی ندارد ، خلاصه مسئله اجتهادی می باشد و به نظر بنده برخلاف ارتکاز متشرعه می باشد فلذا قورت دادن آنها اشکال دارد ، صاحب عروه هم با توجه به این اخبار جرأت فتوی دادن را نکرده فلذا در اینجا احتیاط واجب کرده است و نوعاً محشین هم همین طور می باشند ، بنابراین برای ما روشن شد آنچه که از راه حلق می آید خوب معلوم است که نمی تواند قورت بدهد و غیر از احتقان به مایع آن چه که وارد جوف شود مبطل نمی باشد چون ما دلیلی بر مبطل بودن آنها نداریم ، بعد یک بحثی را مطرح می کنند و آن اینکه آنهایی که می گویند نخاعه و نخامه را نباید قورت بدهد اگر قورت داد آیا قضا و کفاره دارد یا نه؟ صاحب جواهر می فرماید که قضا دارد و کفاره هم دارد و ممکن است که کفاره جمع هم داشته باشد چون که این جزء خبائث است فلذا قورت دادن آن حرام است و این شخص روزه اش را به حرام افطار کرده پس کفاره جمع به گردش می باشد ، بنابراین کفاره جمع مترتب بر این است که آیا از خبائث محسوب می شود یا نه؟ ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

اینها اقوالی بود که علمای ما مثل شیخ و علامه داشتند اما صاحب جواهر می فرماید این طور نیست که هر چیزی که به جوف برسد روزه را باطل می کند بلکه ما تابع دلیلم و می گوئیم که باطل نمی کند سپس ایشان چند دلیل را ذکر می کند ، دلیل اول ایشان اصالة الصحة می باشد ، البته اصل در جایی است که دلیل اجتهادی نداشته باشیم و اجرای اصل صحت در اینجا مشکل است چون همان طوری که در رسائل ، هم در استصحاب و هم در اشتغال خوانده ایم ، در وسط عمل اصل صحت جاری کردن کاری از پیش نمی برد ، اگر شبهه ما حکمیه باشد ما در اینجا شک داریم که آیا روزه ما با بودن چنین چیزی باطل شد یا نه ؟ تا اینجا صحیح است ولی ما می خواهیم ببینیم تا آخر صوممان صحیح است یا نه ، دلیل دوم صاحب جواهر این است که در روایات ما تعبیر به طعام و شراب و ماکول و مشروب شده که اینها جزء هیچکدام از آنها نیست ، البته آنچه که روزه را باطل می کند داخل شدن غذا به معده است حالا چه از راه متعارف و چه از راه غیر متعارف ، دلیل سوم صاحب جواهر این است که ما روایاتی درباره سرمه کشیدن داریم که می گویند روزه را باطل نمی کند چون که سرمه کشیدن اکل و شرب محسوب نمی شود .

دو روایت وجود دارد که باید فکری به حال آنها کنیم اولی روایت غیاث بن ابراهیم می باشد که خبر اول از باب ۳۹ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشد که در ص ۷۷ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : « محمد بن یعقوب ، عن علی بن ابراهیم ، عن ابیه ، عن عبدالله بن المغیره ، عن غیاث بن ابراهیم ، عن ابی عبدالله (ع) قال : لا بأس أن یزدر الصائم نخامته . » قبلاً عرض کردیم که این روایت سنداً صحیح می باشد ، در روایت آمده است که لا بأس به این که شخص نخامه خودش را قورت بدهد ، در معنای نخامه اختلاف می باشد اما بالاخره این روایت دلالت دارد بر اینکه اگر شخصی نخامه خود را قورت بدهد اشکالی ندارد ، در حالی که عروه و تمامی محشین عروه می گویند اشکال دارد .

روایت دوم خبر عبدالله بن سنان می باشد که خبر ۹ از باب ۲۹ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشد که در ص ۶۲ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : « و باسناده عن محمد بن احمد بن یحیی ، عن محمد بن عیسی ، عن ابن محبوب عن عبدالله بن سنان قال : سئل ابو عبدالله (ع) عن الرجل الصائم یقلس فیخرج منه الشیء من الطعام ، أیفطر ذلک ؟ قال : لا ، قلت : فان اذردده بعد أن صار علی لسانه قال : لا یفطر ذلک . » خوب